

U

uncertainty

عدم قطعیت

یقین نداشتن به چیزی، میزان نامعین بودن یک کمیت.

unconscious

ناهشیار

ناخودآگاه، در تحقیقات شناختی به بخشی از ذهن گفته می‌شود که نمی‌توان از طریق درون نگری به محتوای آن دست یافت. این اصطلاح در روانکاوی به بخش غالب روان آدمی گفته می‌شود که تأثیرش در شخصیت و رفتار فرد بیش از جنبه‌های هشیار و ارادی است.

undecidability

تصمیم نا پذیری، داوری ناپذیری

وجود نداشتن یک رویه معین برای تعیین اینکه آیا درستی یا نادرستی یک حکم خاص را می‌توان با استفاده از بدیهیات و اصول استنباط در سیستم خاص اثبات کرد یا نه.

universal grammar

دستور زبان

همگانی

این دستور زبان که توسط چامسکی طرح شده است متشکل از مجموعه قواعد و محدودیت‌هایی است که دستور هر زبان طبیعی به آن پایبند است.

variable

متغیر

در پژوهش‌ها به مؤلفه‌ها و مفاهیمی گفته می‌شود که رابطه شان با هم سنجیده می‌شود. (نیز نک: independent variable و dependent variable)

vector completion

تکمیل بردار

توانایی یک شبکه پیوندگرا (نک: connectionist network) در عملکرد صحیح حتی هنگامی که برخی از درون‌داده‌های معمول آن شبکه افت کرده یا اصلاً وجود ندارد. در چنین شرایطی پس‌خوراندی از طرف برون‌داد به واحدهای درون‌داد می‌رسد که در نتیجه آن سطح درون‌داد تغییر می‌یابد.

ventromedial prefrontalcortex

قسمت تحتانی- مرکزی قشر مخ پیش

پیشانی

verb phrase (VP)

گروه فعلی

یک واحد دستوری در زبان که از یک فعل یا فعل و مفعول آن تشکیل یافته است.

verbal behavior

رفتار کلامی

کاربرد این اصطلاح در قاموس رفتارگرایی اشاره به این است که زبان نیز اساساً از مقوله رفتار است نه یک فرایند ذهنی.

verbatim recall

یادآوری کلمه به کلمه

یادآوری مو به مو و کامل آنچه دریافت شده است. در موارد خاصی حافظه کلمه به کلمه به یادگیریهایی طوطی وار ربط داده می‌شود.

veridicality

عینیت، واقعیت

عینیت، میزان انطباق اطلاعات خاص را با محیطی که بازنمایی آن است نشان می‌دهد. این مسئله همواره

مشکل‌زا بوده است، زیرا ارزش ساختار دانش در توانایی ساده‌سازی محیط است و ساده‌سازی شانس توصیف نادرست را افزایش می‌دهد و لذا به خطا می‌رود. مطالعه عینیت به بررسی تبعات ترازبندی دقت و کارآمدی می‌پردازد.

virtual machine

ماشین مجازی

ماشین مجازی، ماشینی طبیعی یا انتزاعی که برنامه‌اش طوری باشد که رفتارش تقلیدی از رفتار موجود دیگری باشد. مثلاً رایانه وقتی یک برنامه واژه پرداز را اجرا می‌کند یک واژه پرداز مجازی است. با تعویض برنامه ممکن است به یک حسابگر مجازی تبدیل شود و یا به صورت یک شطرنج باز مجازی درآید.

virtual reality

واقعیت مجازی

روشی که در آن به کمک برنامه‌های رایانه‌ای یک فضای حسی خلق می‌شود که اگرچه واقعیت ندارد ولی تا حدی مثل فضای واقعی احساس می‌شود. برای این کار معمولاً ابزارهایی به چشم و گوش و دستهای فرد متصل می‌شود تا حواس او آنچه را که در آن فضا ارائه می‌شود دریافت کند و آنچه را که در محیط واقعی می‌گذرد دریافت نکند. آنچه شباهت این محیط مجازی را به محیط واقعی تقویت می‌کند این است که شخص با حرکت دست و چشم و سر خود نیز می‌تواند تغییراتی در آنچه شاهد آن است ایجاد کند و بدین ترتیب احساس لمس و تأثیرگذاری در محیط به او دست می‌دهد.

vision

بینایی

در معنای اخص به بینشی که فراتر از ظاهر و زمان حاضر را می‌بیند گفته می‌شود.

visual

دیداری، بصری، بینایی

visual dominance

غلبه بصری، تسلط دیداری

غلبه یافتن محرک دیداری بر سایر محرکهای حسی که همزمان با آن به دستگاه حسی - ادراکی انسان وارد می‌شوند.

visual illusion

خطای دیداری، خطای باصره

خطای بصری. (نیز نک: illusion)

visual neglect

غفلت دیداری

نوعی اختلال بینایی که فرد مبتلا به آن نمی‌تواند در باره بخش خاصی از میدان دیدش آگاهی یابد. (نک: spatial neglect)

visual perception

ادراک دیداری

ادراک دیداری یکی از مؤلفه‌های کارکرد شناختی است و اشاره به توانایی ما برای پردازش و تفسیر اطلاعات دیداری درباره مکان اشیاء در فضا دارد.

visual stimulus

محرک دیداری

چیزی که در میدان دید چشم قرار دارد یا در آزمایشها به چشم عرضه می‌شود.

visually impaired

کم بینا، نیمه بینا

فردی که بیناییش کامل نیست.

visuo-spatial sketch pad

لوح دیداری - فضایی

یکی از خرده سامانه‌های حافظه کاری از نظر بدلی (Baddeley) که کارش اندوزش موقت اطلاعات فضایی دیداری است. (نک: articulatory loop)

vocal tract

مجرای گویایی

کلیه اندامهایی که مسیر تولید صدا را تشکیل می‌دهند.

voice onset time (VOT)

مدت تأخیر بروز صدا

زمان آغاز هجا، فاصله زمانی (بر حسب هزارم ثانیه) بین حرکت لبها و جنبش حنجره برای تلفظ حروف مختلف. مثلاً دو حرف (ب) و (پ) تنها از این لحاظ تفاوت دارند که VOT برای (پ) حدود ۵۰-۱۰۰ هزارم ثانیه است و برای (ب) تقریباً صفر است. از نظر آوایی تفاوت حرف (ک) با (گ) و حرف (ت) با (د) نیز در همین است.

volitional control

کنترل ارادی